



بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱)

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطاهرين سيما بقیة الله
فی الارضین.

خوشامد عرض میکنم به همه‌ی شما برادران عزیز و همکاران محترم. یکی از چیزهایی که انسان جا دارد جزو افتخارات کاری خود به حساب بیاورد و این حقیر هم این کار را میکنم، عبارت است از خدمت در جایگاه امامت مساجد؛ ما هم با شما در این زمینه همکارییم. خیلی خوش آمدید و جلسه همان طور که آقای حاج علی اکبری بیان کردند، واقعاً جلسه‌ی مهم و متفاوتی است؛ با جلسات دیگر ما در اینجا تفاوت‌های اساسی دارد. تشکر میکنم از بیانات پرمغز آقای حاج علی اکبری که هم مفید و جامع بود، هم زیبا و خوش ساخت و خوش ترکیب بود. ما خرسند میشویم وقتی که مشاهده میکنیم زبانهای گویای روحانیت بحمدالله از برجستگی‌ها و از زیورهای بیانی و فکری برخوردارند. ایشان نکات مهمی را بیان

کردند و مزده‌هایی را که بنده به‌طور کامل از آنها مطلع نبودم ذکر کردند. بنده هم چند نکته را در همین زمینه‌ها عرض میکنم.

● انتخاب مسجد به‌عنوان محلّ اجتماع؛ از ابتکارات اسلام

اولین مسئله، اهمّیت خود مسجد است و این ابتکاری که اسلام در آغاز ولادت خود برگزید و محلّ تجمّع مردم را بر محور ذکر و دعا و توجّه به خدای متعال قرار داد. اجتماعات مردم به‌طور طبیعی دارای تأثیراتی است. خب، یک عده‌ای دور هم جمع میشوند، می‌گویند، می‌شنوند، تصمیم می‌گیرند، ارتباطات فکری برقرار میکنند، داده‌ها و گرفته‌های فکری بین خودشان دارند؛ این در کجا اتفاق بیفتد؟ مثلاً در باشگاه‌های اشرافی و اعیانی برای کارهای مختلف اتفاق بیفتد که در غرب معمول است، یا در قهوه‌خانه‌ها تشکیل بشود؛ [یا مثل] آروم باستان که در حمام‌ها آن وقت یک چنین اجتماعاتی تشکیل میشد و دور هم مردم جمع میشدند و رفتن حمام بهانه بود برای اینکه بگویند و بشنوند؛ یا در جایی تشکیل بشود که محور آن اقامه‌ی صلات است؛ این خیلی فرق میکند. وقتی اجتماع بر محور نماز و ذکر به وجود آمد، آن وقت یک معنای دیگری پیدا میکند، یک جهت دیگری پیدا میکند، دل‌ها را به سمت دیگری میکشاند؛ این ابتکار اسلام بود.

● مسجد؛ پایگاهی برای تصمیم‌گیری‌های مهم در زمان پیامبر اکرم (ﷺ)

بله، معبد در همه‌ی ادیان هست - که می‌نشینند در آنجا و عبادت میکنند - لکن مسجد با معابد مسیحی و یهودی و بودایی و بعضی جاهای دیگر که ما دیده‌ایم یا شنیده‌ایم متفاوت است. در مسجد، پیغمبر اکرم نمیرفت فقط نماز بخواند و بیرون بیاید؛ کاری که برای اجتماع پیش می‌آمد و مهم بود، صدا می‌زدند: *الصلوة جامعة*؛ (۲) بروید به سمت محل صلات؛ برای چه؟ برای اینکه راجع به مسئله‌ی جنگ مشورت کنیم یا خبر بدهیم یا همکاری کنیم یا بسیج کنیم امکانات را و بقیه‌ی چیزها؛ و شما در تاریخ اسلام مشاهده

میکنید که مساجد، مرکزی برای تعلیم بود؛ می شنویم و در روایات میخوانیم که در مسجد الحرام یا مسجد النبی حلقه‌ی درس زید و عمرو و بکر از نحله‌های مختلف فکری و مذهبی وجود داشت؛ معنای این خیلی متفاوت است با کلیسیا یا با کنیسه‌ی یهودی که فقط میروند آنجا، یک عبادتی میکنند و بیرون می‌آیند. مسجد پایگاه است و این پایگاه بر محور ذکر و نماز است.

● تأثیر نماز مطلوب در حفظ پیکره‌ی دین

از اینجا اهمیت نماز هم معلوم میشود. خود ماها بِأَشْخَاصِنَا، (۳) احتیاج داریم به اینکه به نماز با یک نگاه دیگری نگاه کنیم. البته خوب، بحمدالله شماها همه از فکر بر خور دارید، از منطق، از آشنایی با معارف الهی و دینی؛ بنده برای تذکر به خودم عرض میکنم؛ ماها، عموم مردم، آنچنان که باید و شاید، همچنان قدر نماز را نمیدانیم. نماز به معنای واقعی کلمه عمود دین است؛ معنای عمود این است که اگر نبود، سقف فرو میریزد؛ بنا شکل بنایی خود را از دست میدهد؛ نماز این است. بنابراین پیکره‌ی عظیم دین متوقف است به نماز. کدام نماز میتواند این پیکره را حفظ کند؟ آن نمازی که دارای خصوصیات مطلوب خود باشد: قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ، (۴) ناهی از فحشا و منکر، نمازی که با ذکر همراه باشد؛ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ؛ (۵) این ذکری را که در درون نماز است، هم باید عمل کنیم، هم باید ترویج کنیم.

● کیفیت بخشی به نماز با محفوظ نگه داشتن آن از آفات غفلت، بی توجهی به مفاهیم و مخاطب آن، ریا و سُمعه

به نظر بنده یکی از کارهای مهم ائمه‌ی محترم جماعات در مساجد، تبیین مسئله‌ی نماز برای مردم است که قدر نماز را بدانیم؛ اگر این شد، نمازها کیفیت پیدا خواهد کرد. واقع قضیه این است که نمازهای ما یا در موارد بسیاری بی کیفیت است، یا کیفیت لازم را ندارد. به عمق اذکار نماز باید رسید. خوب، نماز ما [باید] از این آفات چارواداری مصون و محفوظ

بماند؛ یعنی آفت غفلت در حال نماز، بی توجهی به مفاهیم نماز و به مخاطب نماز که ذات اقدس الهی است؛ این یکی از آفات است. به قول مرحوم آقای مشکینی که اینجا در همین حسینیه می‌گفتند اگر یک دستگاهی اختراع بشود که انسان بتواند به مغز خودش آن را متصل کند و خاطرات ذهن را در طول نماز از اول تا آخر در آن ضبط بکند، یک چیز عجیب و غریبی از آب درمی آید. از اولی که وارد نماز میشویم تا آخر نماز، ذهن کجاها میرود، کجاها را سیر میکند، چه مسائلی را حل میکند، به چه مسائلی دل بستگی و فریفتگی و دلباختگی نشان میدهد. این یکی از آن آفات به تعبیر بنده چارواداری است. اگر از این آفت توانستیم خودمان را محفوظ بداریم و نیز از یک آفت دیگر که ریا [است] - «وَأَبْرَأَ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ وَالسُّمْعَةِ وَالشَّكِّ فِي دِينِكَ» (۶) که در دعاهست - توانستیم خودمان را نجات بدهیم، تازه نماز ما میشود یک نماز عادی و معمولی؛ عمق نماز باز محفوظ نیست.

● تمرین کردن و استفاده از فرصت جوانی، راه کیفیت بخشیدن به نماز

خب، وقتی ما می‌گوییم «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ»، این عظمت را چه [میدانیم]؟ چه تصویری از این عظمت در دل ما است؟ این عظمتی که در مقابل او تعظیم میکنیم و او را تسبیح میکنیم و تقدیس میکنیم، چیست؟ آن معدن عظمتی که در این دعا مورد توجه قرار می‌گیرد که «هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ» تا برسد به «إِلَى مَعْدِنِ الْعَظْمَةِ»، (۷) کجا است؟ چیست؟ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى، إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ؛ (۸) ما هیچ توجهی به این معانی و این مفاهیم عمیق، عبودیت انحصاری خداوند، استعانت انحصاری از خداوند، دل را با این معارف آشنا کردن، نماز را با این کیفیت به جا آوردن داریم؟ خب ما یک مقداری باید تمرین کنیم تا به این جاها برسیم.

البته اکثر جمع حاضر بحمدالله جوان هستید و این کارها در جوانی خیلی آسان است. در سنین ماها این کارها خیلی مشکل است. [اگر] در سنین ما بخواهیم شروع کنیم، این کارها،

کارهای سختی است. در سنین جوانی این کارها خیلی آسان است. این کیفیت را به نماز ببخشید، این رنگ و بورا به آن بدهید؛ آن وقت نماز در درون انسان رونق به وجود می آورد. این تراوش میکند و سرریز میشود به همه ی کسانی که متوجه نماز ما هستند و با ما نماز میخوانند. بعضی از روایات در باب امام جماعت دارد که حسنات مأمومین و وزیر مأمومین بر دوش امام جماعت است. مراد از این، آن چیزهایی که مبطل نماز است نیست، یعنی همین مفاهیم عالی. اگر چنانچه اینها بود، اینها آن وقت سرریز میشود به [مأمومین]. به هر حال نماز این است. اینکه مادر درون جامعه ی خودمان - در جامعه ی اسلامی - کسانی را داشته باشیم که با نماز بیگانه باشند، این خیلی چیز بزرگ و خیلی چیز مهمی است. باید جامعه ی ما این جور باشد که مثل یک امر محبوب و مطلوب دنبال نماز برویم؛ نه به عنوان یک تکلیف از سر باز کردنی؛ به عنوان یک چیز شوق انگیز، یک چیز جذاب.

● مسجد، پایگاهی برای همه ی کارهای نیک

خب، مسجد بر محور چنین گوهری شکل میگیرد؛ اجتماعی است بر گرد یک چنین حقیقت درخشانی. بنابراین مسجد اهمیت دارد، پایگاه است؛ همچنان که معروف شده در زبانها واقعاً پایگاه است. نه فقط پایگاه برای فلان مسئله ی اجتماعی، بلکه [مسجد میتواند پایگاه همه ی کارهای نیک باشد؛ پایگاه خودسازی، انسان سازی، تعمیر دل و تعمیر دنیا و مقابله ی با دشمن و زمینه سازی برای ایجاد تمدن اسلامی و بصیرت افزایی افراد؛ و هَلُمَّ جَرًّا. (۹) مسجد یک چنین جایگاهی است.

● امام جماعت؛ محور مسجد

بنابراین پیش نمازی مسجد تنها وظیفه ی امام جماعت نیست؛ پیش نمازی هم یکی از کارها است. اقامه ی نماز، اقامه ی حق و عدل، اقامه ی دین، ابلاغ احکام دینی، وظیفه ی ما به عنوان پیش نماز و به عنوان امام جماعت است. یعنی محور مسجد امام جماعت است، مسجد بر

محور امام جماعت [است]. خب اگر این شد، احساس مسئولیت انسان سنگین خواهد شد.

○ امامت جماعت؛ کاری مهم و اساسی و نه کاری حاشیه‌ای

تصور بنده این است که یکی از کارهای اساسی عبارت است از امامت مسجد؛ [این] یک کار مهم است؛ به عنوان یک کار حاشیه‌ای نباید به آن نگاه کرد. اینکه ما به کارهای روزانه‌مان، به مشاغل گوناگونمان برسیم، بعد سر ظهر یا مغرب با عجله‌ی تمام در ترافیک و مانند اینها خودمان را برسائیم - نیم ساعت، سه ربع هم از وقت دیر شده باشد - برویم آنجا بایستیم به نماز، این کم گذاشتن در حق مسجد است. این را باید یک شغل مهم و اساسی به حساب آورد. عرض نمیکنیم که وقتی امام جماعت شدیم، از همه‌ی کارهای دیگر دست برداریم؛ نه، میتواند انسان به قدر ظرفیت خود به کارهای دیگر علمی یا غیر علمی بپردازد لکن حق مسجد باید ادا بشود. از قبل از وقت شروع نماز انسان برود مسجد باطمینان، با سکون نفس آماده‌ی نماز بشود، نماز را با کیفیت خوب بخواند. بعد اگر برنامه‌ی حرف زدن دارد، برگردد طرف مردم و با مردم حرف بزند، برای مردم تبیین بکند؛ برنامه‌های گوناگونی که در مساجد بحمدالله شماها دارید. زمان ما، آن زمانی که بنده مثلاً در مشهد امامت جماعت میکردم و مسجد میرفتم، خیلی کارها معمول نبود، بلد نبودند یا بلد نبودیم این کارها را. هر کاری میکردیم، نوبه حساب می‌آمد. امروز بحمدالله این کارها رایج است. اینکه بین دو نماز یا بعد از نماز، امام جماعت بایستد یا برود روی منبر با مردم حرف بزند یا اینکه مثلاً فرض کنید تخته‌سیاه در مسجد ببرند، حدیث بنویسند، برای مردم تبیین بکنند، یا بنشینند با جوانهای مسجد حلقه‌ی معرفتی تشکیل بدهند، تبیین کنند، سوالاتشان را بشنوند، این کارها حالا آن طور که انسان احساس میکند از گزارشها و از حرفها رایج است، آن زمان رایج نبود. آن زمان ائمه‌ی جماعت عمدتاً به این اکتفا میکردند که بروند نماز را بخوانند و از مسجد بیرون بیایند. حالا یکی دو مسئله‌ی شرعی هم جواب بدهند، و سؤالی بشود یا نشود؛ بیش از این

نبود، [اما] امروز بحمدالله این چیزها رایج است. و باید روز به روز این را کیفیت داد.

○ کارکردهای مسجد:

۱. محلّ گردهمایی مردم بر محور نماز و ذکر خدا

پس بنابراین یک مسئله، مسئله‌ی گردهمایی مردمی بر محور نماز و محور ذکر از نظر اسلام است. این مهم است. بنابراین اگر کار اجتماعی هم در اینجا انجام میگیرد، مثلاً تصمیم میگیرند که یک تعاونی‌ای درست کنند برای فقرا یا در یک امر خیری تعاون کنند، این با توجه به اقامه‌ی صلات است، با توجه به ذکر است، برای خدا است، بر محور صلات است. اگر بسیج میشوند از مسجد برای رفتن در مقابله‌ی دشمن، این به معنای حرکت جهاد فی سبیل الله هست، بر مبنای خدا است، بر مبنای ذکر است؛ اگر وظیفه پیدا میکنند که امورات شهری را، امورات محلّه را مثلاً از لحاظ امنیت، از لحاظ کارهای لازم انجام بدهند، باز بر محور ذکر [است].

یکی از ابتکارات مهمّ امام بزرگوار ما، از هنرهای بزرگ این مرد بزرگ همین بود که از اوّل انقلاب مساجد را محور قرار داد. آن روزهای اوّل انقلاب، آنهایی که یادشان است میدانند که همه چیز در هم ریخته بود: سلاح بیاورند، جمع کنند، از اینجا بردارند، [نکند] دستهای غیر مأمونی به کارهایی دست بزنند؛ مرکز تشکّل لازم بود، هسته‌ی مرکزی لازم بود؛ این هسته‌ی مرکزی را امام بلافاصله همان روز اوّل، حتی قبل از اینکه اعلام پیروزی بشود، معین کردند: مساجد. هر کس از هر جا مثلاً سلاح دست می آورد، ببرد [به مساجد]. بعد هم یک سازمان دهی عظیم مسجدی تشکیل شد و به وجود آمد که همان کمیته‌های انقلاب بودند، که تا مدت‌های طولانی همه‌ی کارهای انقلاب را اینها انجام میدادند، و در واقع همه‌ی کارهای کشور را اینها انجام میدادند. مسجد یک چنین خصوصیتی دارد که بر مبنای ذکر و نگاه الهی و توجه الهی و مانند اینها است. خب این یک نکته است که اجتماع مردم بر محور

ذکر خدا و مانند اینها [است].

۲. پایگاه انواع و اقسام فعالیت‌های اجتماعی

نکته‌ی دوم این است که مسجد پایگاه انواع و اقسام فعالیت‌های اجتماعی است؛ یعنی وقتی ما مردم را گرد این محور جمع کردیم، از آنها چه می‌خواهیم. یکی از چیزهایی که می‌خواهیم این است که به فعالیت‌های اجتماعی بپردازند. در جامعه‌ی اسلامی همه‌ی آحاد وظیفه دارند، مسئولیت دارند، باید کار انجام بدهند؛ کار برای پیشرفت جامعه، کار برای امت. بنابراین اینجا محلّ پمپاژ فکرها و پراکندن وظایف مختلف و کشاندن مردم به کارهای گوناگون است. مسجد برای انجام فعالیت‌های اجتماعی و پایگاه فعالیت‌های اجتماعی است.

۳. هسته‌ی مقاومت

یک مسئله‌ی دیگر در مورد مسجد عبارت است از هسته‌ی مقاومت. مقاومت وقتی گفته میشود، فوراً ذهن میرود به مقاومت نظامی و امنیتی و امثال اینها. خب بله، آن هم قطعاً مقاومت است، اما بالاتر از آن، مقاومت فرهنگی است. حصار فرهنگی، خاک ریز فرهنگی در کشور اگر سست باشد، همه چیز از دست خواهد رفت. من به شما عرض بکنم: امروز بعد از ۳۷ سال، ۳۸ سال از پیروزی انقلاب، انگیزه‌ی دشمنان برای نفوذ در حصار فرهنگی از روز اول بیشتر است؛ نه اینکه کم نشده، قطعاً زیاد شده؛ روشها را هم که شما می‌بینید: این شیوه‌های فضای مجازی و تبلیغات گوناگون و ماهواره و امثال اینها؛ [یعنی] انگیزه‌ها بیشتر شده. آماج این حرکت هم درست همان چیزی است که مایه و هسته‌ی اصلی ایجاد نظام اسلامی شد؛ یعنی ایمان دینی، آماج این است. با حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی و سیاست‌های جمهوری اسلامی مخالفند به خاطر مخالفت با ایمان دینی؛ چون میدانند اگر ایمان دینی نبود، این انقلاب پیروز نمیشد، این نظام به وجود نمی‌آمد، این زلزله و تکانه‌ی شدید در ارکان نظام سلطه پدید نمی‌آمد. حرکت اسلامی و انقلاب اسلامی یک تکانه‌ی

شدیدی در نظام سلطه ایجاد کرد؛ بله، دو قطبی بود، با هم مخالف بودند، الان هم همین جور است - قدرتهای بزرگ مثل گرگهای درنده‌ای هستند که منتظر فرصتند تا رقبای ابدی خود را بکشد، در این شکی نیست - اما همه بر یک اصل متفق بودند و امروز متفقند و آن، دستیابی به قدرت و زورگویی نسبت به مردم و ملت‌های ضعیف و حکومت‌های ضعیف و اجتماعات گوناگون عالم و غارت منابع مالی و اقتصادی آنها و تجمیع روزافزون قدرت برای خودشان است؛ این هدف است. این هدف که هدف نظام سلطه است، با پدید آمدن انقلاب اسلامی مخدوش شد.

○ اسلام انقلابی؛ مانع تحقق مقاصد قدرتهای مادی

امروز شما ملاحظه کنید در منطقه‌ی غرب آسیا - که اسمش را گذاشته‌اند خاور میانه - قدرتهای درجه‌ی یک مادی دنیا زمین گیر شده‌اند؛ آمریکا امروز در منطقه‌ی غرب آسیا زمین گیر است. [اینها] امروز اهدافی دارند، کارهایی دارند، مقاصدی دارند در این منطقه؛ یک بخش از این مقاصد عبارت است از تقویت پایگاه استکباری رژیم صهیونیستی در این منطقه، یک بخش آن عبارت است از تصرف همه‌ی منافذ و منابع قدرت در منطقه که دولت‌ها و حکومت‌ها بیایند زیر چتر آنها، از امکانات اینها استفاده کنند؛ فرمانروایی بر منطقه، [اما] امروز نتوانسته‌اند. چه مانع شده است از اینکه مقاصد اینها تحقق پیدا کند؟ اسلام انقلابی یا انقلاب اسلامی - هر دو تعبیر درست است؛ اسلام انقلابی هم درست است، انقلاب اسلامی هم درست است - که امروز در نظام جمهوری اسلامی تبلور پیدا کرده. این، مانع شده. اگر اسلام نبود، ایمان به خدا نبود، ایمان به معارف اسلامی نبود، تعهد و پایبندی به وظایف دینی نبود، نظام جمهوری اسلامی هم مثل دیگران میرفت زیر چتر همین نظام سلطه و قدرت استکباری آمریکا و غیر آمریکا؛ همچنان که دیگران رفتند. بنابراین، آماج حمله‌ی آنها همین چیزی است که این بنای اسلامی را به وجود آورده؛ یعنی ایمان. اگر ایمان اسلامی نبود، این کشوری که مادیده بودیم و این نظامی که ما آن را با گوشت و پوست

واستخوان خودمان تجربه کردیم، ممکن نبود که تغییری پیدا بکند؛ این ایمان اسلامی بود. یک مرجع تقلید با تأیید الهی، با هدایت الهی، با بلد بودن شیوه‌ی مبارزه و کار، وارد میدان شد و ایمان مردم را کشاند به سمت این هدف بلند و مردم به میدان آمدند؛ وقتی مردم در میدان بودند، هیچ قدرت مادی‌ای کاری نمیتواند انجام بدهد. عمده، حضور مردم است که این را امام بزرگوار ما به برکت ایمان مردم و با اتکاء به ایمان مردم توانست انجام بدهد؛ لذا آماج [دشمن]، ایمان مردم است، ایمان جوانان است.

● وجود جوانان زیاد مؤمن در عرصه‌های مختلف انقلاب

اینکه بنده بارها تکرار میکنم که جوان امروز، از جوان اول انقلاب و دوران جنگ اگر جلوتر نباشد، بهتر نباشد، عقب‌تر نیست - و من معتقدم که جلوتر است - به خاطر این است که امروز با این همه ابزارهای تبلیغی، با این همه شگردهای گوناگون فروریختن پایه‌های ایمان، جوان انقلابی ایستاده است. ما در عرصه‌ی فرهنگ، در عرصه‌ی سیاست، در عرصه‌های اجتماعی، در عرصه‌های هنری الی ماشاءالله جوان مؤمن داریم؛ البته بله، یک عده‌ای هم هستند که معتقد نیستند، پابند نیستند، آن‌را هم میدانیم، نه اینکه غافل باشیم اما این خیل عظیم جوانان مؤمن، جزو معجزات انقلاب است. این جوان امروز [است]؛ جوانی که نامه مینویسند به بنده - از این نامه‌ها یکی و دوتا و ده تا هم نیست، زیاد است - و التماس، گریه که اجازه بدهید ما برویم در دفاع از حرم اهل بیت (علیهم‌السلام) بجنگیم؛ از زندگی راحت، از زن و بچه بگذریم. نامه مینویسند - واقعاً نامه گریه‌آلود است - که [ما] پدر و مادر را راضی کردیم، شما اجازه بدهید ما برویم بجنگیم؛ این وضع جوان امروز است. خب میخواهند ایمان این [جوان] را از بین ببرند. این حصار فرهنگی برای حفظ این ایمان است.

○ مسجد؛ پایگاه حرکت و بسیج فرهنگی

مسجد پایگاه بزرگ بسیج فرهنگی و حرکت فرهنگی است؛ شیوه‌ی کار را باید در مسجد آموخت که چه کار کنیم. اولاً به شما عرض بکنم حرفی که شما با مأمومین خودتان و مسجدی‌های خودتان می‌زنید، از نطق تلویزیونی و مانند اینها بمراتب کارآمدتر و مؤثرتر است؛ بارها این را عرض کرده‌ایم که نگاه چشم‌درچشم و جلسه‌ی نزدیک که نفس گوینده به شنونده می‌خورد، یک چیز دیگری است؛ این فقط هم در اجتماعات ما تجلی دارد؛ البته در کل اسلام در نمازهای جمعه و امثال اینها این هست، لکن در بین شیعه، بروز و ظهور بیشتری دارد. این مجالس روضه‌خوانی، مجالس وعظ و خطابه، مجالس گوناگون خیلی چیزهای مهمی است؛ اینها را دست کم نباید گرفت، هم از فضای مجازی مؤثرتر است، هم از صداوسیما مؤثرتر است، منتها خوب دایره‌اش محدود است؛ اگر چنانچه این سلسله‌ی عظیم، این تشکیلات عظیم خوب کار کند و در همه جا کار کند، تأثیراتش بر همه‌ی اینها فائق خواهد آمد و می‌توانید شما این جوان را، این مخاطب را به معنای واقعی کلمه مصونیت ببخشید و می‌توانید او را در مقابل این میکروب‌ها و این ویروس‌هایی که به طور دائم دارد سرازیر میشود به طرف این کشور و طرف این نظام واکسینه کنید. بنابراین [مسجد] هسته‌ی مقاومت است، منتها مقاومت بانواعه؛ (۱۰) مقاومت فرهنگی، مقاومت سیاسی، و در جای خود هم مقاومت امنیتی و نظامی؛ کما اینکه در مساجد [اینگونه بوده].

این آماری که جناب آقای حاج‌علی اکبری گفتند، خیلی آمار مهمی است؛ اینکه ایشان گفتند که ۹۷ درصد از شهدای ما مسجدی بوده‌اند - اگر تحقیق بشود - این خیلی حرف مهمی است. از هر صنفی: دانشجو است مسجدی است، کاسب است مسجدی است، دانش‌آموز دبیرستانی است مسجدی است. از مسجد حرکت کردن و راه افتادن و رفتن به میدانهای جنگ و جان خودشان را کف دست گرفتن، به زبان آسان است؛ جان در کف دست گرفتن، جان فدا کردن به زبان [آسان است]؛ وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ

تَلَقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ، (۱۱) انسان خب میگوید که بله ما جانمان [را میدهیم]؛ آن وقتی که در مقام عمل مواجه میشود با مرگ، جور دیگری است، خیلی سخت است. این جوانها از مسجد رفته‌اند و جان خودشان را در راه خدا داده‌اند؛ نقطه‌ی عزیمت عبارت است از مسجد؛ خیلی حرف بزرگی است، حرف مهمی است.

○ بصیرت فرهنگی؛ زمینه‌ساز بصیرت سیاسی

بنابراین مسجد، [هم] پایگاه مقاومت است، هم [پایگاه] رشد فعالیت‌های فرهنگی و هدایت فرهنگی و بصیرت فرهنگی [است]؛ در دل فرهنگ، سیاست هم هست. این راهم عرض بکنیم که معنای سیاست فقط این نیست که انسان طرف‌دار زید و مخالف عمرو باشد یا بعکس؛ سیاست یعنی نگاه به حرکت عمومی جامعه که کدام طرف داریم می‌رویم؛ آیا به سمت هدفها داریم حرکت میکنیم یا زاویه گرفته‌ایم و داریم از هدفها دور میشویم؟ معنای واقعی سیاست این است. آن وقت در خلال این نگاه، تکلیف آدمها و اشخاص و گروه‌ها و احزاب و جریانها روشن میشود که آیا داریم به سمت عدالت اجتماعی می‌رویم؟ آیا داریم به سمت استقلال واقعی دینی می‌رویم؟ آیا داریم به سمت ایجاد تمدن اسلامی می‌رویم، یا داریم به سمت وابستگی به غرب و وابستگی به آمریکا و تحت تأثیر قرار گرفتن نسبت به بافته‌ها و یافته‌های بی‌مغز غربی‌ها حرکت میکنیم؟ این خیلی مسئله‌ی مهمی است که سبک زندگی ما، ما را به کدام طرف دارد میکشاند؛ این نگاه، نگاه سیاسی است که می‌بینید از فرهنگ سرچشمه میگیرد؛ بنابراین در دل فرهنگ، سیاست هم هست. با این نگاه به حوادث جامعه باید نگاه کرد. بعضی کوتاه‌نظری میکنند، کوتاه‌بینی میکنند و همه‌ی چیزها را منحصر میکنند در دوستی یا دشمنی با یک شخص. یک شخص یا یک جریان چه اهمیتی دارد؟ باید نگاه کرد، جریان‌شناسی کرد؛ در اغلب کسانی که پایشان میلغزد این [جور] است.

در ایام فتنه در سال ۸۸ در اول کار، بنده یکی از این سران فتنه را خواستم و به او گفتم که آقا جان، این کاری که شما شروع کرده‌اید و دارید می‌کنید، دست بیگانه‌ها خواهد افتاد و دشمن از این استفاده خواهد کرد؛ شما حالا بظاهر درون نظام هستید، با نظام هستید و به قول خودتان دارید یک اعتراض مدنی - من باب مثال یک اعتراض به انتخابات - می‌کنید اما این کاری که دارید می‌کنید مورد استفاده‌ی دشمنانِ اصل نظام قرار خواهد گرفت؛ گوش نکرد؛ یعنی نفهمیدند که چه داریم می‌گوییم؛ حالا البته این نگاه خوشبینانه‌ی بنده است که می‌گوییم نفهمیدند، بعضی هم ممکن است جور دیگری فکر کنند. وارد شدند؛ بعد دیدید از درونش چه در آمد؛ گفتند «انتخابات بهانه است، اصل نظام نشانه است». خب، حالا عذر بیاوریم که اینها که یک مشت جوان بودند، یک چرندی، یک حرف بی‌ربطی گفتند؛ نه، این جوری نیست. اگر چنانچه در زیر عبای بنده کسی حرفی بزند که من با آن مخالفم، خب بایستی او را از زیر عبایم بیرون کنم؛ بایستی اعلام کنم که مخالفم و الا به حساب من گذاشته خواهد شد؛ همه‌ی وزن و وزانتی که صاحب عبا دارد، پشتوانه‌ی آن حرف خواهد شد. حرف، اینها است؛ ببینید! نگاه به مسائل جاری، این جوری باید باشد؛ بصیرت سیاسی که ما می‌گوییم یعنی این. بفهمیم که چه کسی دارد ما را به کجا میبرد، به کجا دعوت میکند، به کجا میکشاند. آیا به سمت اهداف اسلامی داریم حرکت می‌کنیم؟ به سمت تدبیر روز افزون جامعه داریم حرکت می‌کنیم؟ یا آن چنان که دشمن مایل است، به سمت بی‌مبالاتی بیشتر حرکت می‌کنیم، به سمت دل‌باختگی بیشتر به اقطاب (۱۲) مخالف دین داریم حرکت می‌کنیم. آن بصیرت سیاسی، این است. اگر چنانچه این را فهمیدیم، آن وقت معلوم میشود که بایستی بازید باشیم یا با عمرو باشیم، یا از این حمایت کنیم یا از آن حمایت کنیم؛ در سایه‌ی این نگاه کلان باید فهمید. این هم یک مسئله است.

○ الزامات مساجد:

۱. برقرار و دایر بودن مساجد در اوقات سه گانه‌ی نماز

یک نکته‌ای که بنده بارها این را عرض کرده‌ام، این است که مسجد بایستی برقرار باشد؛ که حالا خب [با توجه به] آمارهایی که بیان کردند، بحمدالله تا حدودی گویا این جور شده، تحقق پیدا کرده لکن باید کامل بشود. وقت نماز، مسجد باید باز باشد. هر سه وقت در مسجد باید نماز جماعت برگزار بشود؛ بنا را بر این باید گذاشت. حالا ممکن است بنده مثلاً فرض کنید توانایی ندارم که هر سه وقت بروم، خب یک نفر دیگر را حتماً آنجا بگذارم که سه وقت در این مسجد نماز اقامه بشود. و در مسجد از پیش از ظهر که باز میکنند برای نماز ظهر و عصر، تا شب بعد از نماز عشا باز باشد؛ این جور نباشد که در مسجد را ببندند. بنده شنیدم بعضی‌ها میگفتند «عصری وارد تهران شدیم، نماز ظهر و عصر میخواستیم بخوانیم، در هر مسجدی رفتیم بسته بود»؛ البته مال چند سال پیش است؛ نه، مسجد باید باز باشد.

۲. ورود در مسائل سیاسی

یک نکته‌ی دیگر این است که بعضی‌ها مسجد را -بر خلاف آنچه ما حالا عرض کردیم- از مسائل سیاسی میخواهند بکلی برکنار بدارند. [میگویند] آقا شما وارد سیاست نشوید، کار خودتان را بکنید. کار خودتان یعنی چه؟ یعنی بیایید همان نمازتان را بخوانید و بروید؛ فقط پیش نمازی محض. این همان سکولاریسم است. سکولاریسم به معنای بی دینی نیست، سکولاریسم به معنای این است که دین در غیر عمل شخصی، هیچ بروز و ظهوری نداشته باشد. نظام اجتماعی کاری به دین ندارد. بله، هر کسی در داخل نظام اجتماعی متنوع غربی و شرقی و امثال اینها خودش برای خودش، در دل خودش، در عمل خودش یک ارتباطی با خدا داشته باشد؛ سکولاریسم یعنی این. این همان چیزی است که دشمنان میخواهند؛ دشمنان همین را میخواهند. آن دینی که با آن مخالفند، آن ایمانی که با آن می‌جنگند، آن

ایمانی است که به ایجاد نظام اسلامی می انجامد و اسلام را قدرتمند میکند؛ با آن مخالفند. از اسلام میترسند؛ کدام اسلام؟ اسلامی که دارای قدرت است، دارای نظامات است، دارای سیاست است، دارای حکومت است، دارای ارتش است، دارای نیروی مسلح است، دارای توانایی های علمی است، دارای توانایی های بین المللی [است]. از این جور اسلامی میترسند و الا از اسلامی که ولو یک میلیون طرف دار هم فلان جریان یا فلان حزب یک گوشه ای در یک کشور یا در سراسر دنیا داشته باشد اما قدرتی در اختیار ندارد، واهمه ای ندارند؛ کاری [در برابر آن] نمیکنند. آن اسلامی که با آن مقابلند، با آن مخالفند، با آن دشمنند، کینه ای آن را در دل میپروراندند، اسلام مقتدر است. آن وقت ما بیاییم اسلام را در کانونهای اصلی خود یعنی مساجد، از مسائل جامعه، از مسائل سیاست، از مسیر جامعه، از مسیر (۱۳) جامعه بکلی منصرف کنیم؟ این جفای بزرگی است در حق مسجد.

۳. جایگاهی برای جذب و استقرار جوانان در مسجد

یک نکته ی دیگر این است که بایستی برای جوانها جایگاه خاص در مسجد ایجاد کرد؛ یعنی واقعاً باید برای جذب جوان برنامه ریزی کرد. نه اینکه ما با حضور میان سال و پیر مرد در مسجد مخالفیم؛ نه، مؤمنین همه باید بیایند به مسجد و استفاده کنند، اما جوانها را باید جذب مسجد بکنیم. اینکه جوان مسجد را خانه ی خود و جایگاه خود بشناسد و به آن انس پیدا کند و رفت و آمد پیدا بکند، خیلی برکات دارد. کار را در جامعه جوانها انجام میدهند، پیشران حرکت های اجتماعی جوانها هستند، اینها هستند که کار میکنند، تلاش میکنند. جاذبه ی برای جوان بر خلاف آنچه بعضی تصور میکنند، گذاشتن میز پینگ پنگ نیست. بعضی خیال میکنند برای اینکه جوانها را جذب کنیم به مسجد، وسایل سرگرمی فراهم بکنیم؛ مثل همان جریانی که یک کلیسایی در آمریکا [انجام میداد] که آن نویسنده ی مصری میگوید رفتم دیدم که پای این کلیسا یک برنامه ای زده اند که مثلاً فرض کنید که

امشب از ساعت فلان در سالن کنار کلیسا، آن طرف محراب، این برنامه‌ها هست: برنامه‌ی رقص است و آواز است و موسیقی است و یک شام سبکی است و آنس هست و مانند اینها. میگفت حسّاس شدم، رفتم دیدم بله، همین است؛ اینجا سالن کلیسا است، یک سالن هم بغلش هست مثل یک کاباره؛ دخترها، پسرها، مردها، میان سال‌ها می‌آیند تماشا میکنند؛ دختر و پسرها هم میدان دارند. موسیقی هست، رقص هست، آواز هست، آخر سر هم کشیش آمد و چراغها را یک خرده‌ای کم کرد تا یک خرده کم نور بشود و فضا [خاص شود]، (۱۴) میگفت رفتم بیرون؛ فردا برگشتم آدمم آن کشیش را در کلیسا پیدا [کردم]؛ گفتم من دیشب در این جلسه‌ی شما بودم، آخر معنای این چیست؟ ایشان گفت: ای آقا، میخواهیم جوانها را جذب کنیم! جوانها را میخواهیم [جذب کنیم]! اگر بنا است با رقص و آواز و موسیقی و امثال اینها جوان جذب بشود، خوب بروند همان کاباره، چرا بیاید اینجا؟

○ تصرف دل؛ راه جذب جوانان

راه جذب جوانها تصرف دل جوان است. دل جوان یک قیامتی است، اوضاعی است. گرایش جوان به معنویت یکی از آن رازهای بزرگ الهی است. یک حرف معنوی را برای امثال بنده که بگویند، خوب گوش میکنم، حداکثر اندکی تأثیر پیدا میکنم، [اما] همان حرف را به یک جوان بزنند، منقلب میشود، از این رو به آن رو میشود. دل جوان حقیقت‌پذیر است، دل جوان به فطرت الهی نزدیک است؛ فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا. (۱۵) دل جوان بانصاح و مطالب معنوی و سلوکی و عرفانی اُنس پیدا میکند، زود اُنس پیدا میکند، زود دل‌باخته و دل‌بسته میشود؛ جاذبه‌ی جوانها اینها است. شما سخن را، حرف را، اقدام را با معنویت، با عرفان واقعی، نه عرفانهای تخیلی و توهمی و صوری، یک مقداری آمیخته بکنید، خواهید دید جوان چطور مجذوب میشود و می‌آید. جاذبه‌ی جوان در مسجد اینها است. و الا حالا یک وسیله‌ی بازی هم آنجا فراهم کردیم، گذاشتیم، خوب اگر بنا است برای بازی بیاید، برود

در باشگاه بازی کند.

۴. حفظ سرگذشت تاریخی و درس آموز مساجد

یک نکته‌ی دیگر هم عرض بکنیم؛ مساجد ما یعنی مساجدی که امروز خوشبختانه در نظام جمهوری اسلامی هستند و غالباً سی سال چهل سال عمر دارند، یک تاریخ شنیدنی و زیبایی دارند؛ غالباً این جور هستند. در این مساجد علمایی آمده‌اند، ائمه‌ی جماعتی آمده‌اند، رفتارهایی داشته‌اند، برخوردهایی داشته‌اند، مؤمنینی در اینجا آمده‌اند، جوانهایی در اینجا تربیت شده‌اند، از اینجا بسیجهایی صورت گرفته، شهدایی [داده‌اند]، پیکرهای شهیدی به این مساجد برگشته‌اند؛ اینها تاریخ است، اینها سرگذشت‌های جذاب یک مسجد است؛ این سرگذشت‌ها را باید حفظ کرد. هر کدام از این مساجد میتواند یک سرگذشت واقعی جذاب درس آموزی داشته باشد برای کسانی که امروز در مسجدها و کسانی که فردا به این مسجد خواهند آمد؛ این را در قالبهای گوناگون - قالب کتاب، قالب مقالات مجله‌ای، قالب عکس، قالب کلیپ - میشود درآورد؛ اینها را میشود تبیین کرد. چقدر از این مساجد هستند که شهدای نام‌آوری در این مساجد تربیت پیدا کردند، بعد خارج شدند و در راه خدا به شهادت رسیدند؛ این تاریخ را ما بایستی حفظ کنیم.

○ اساس «روز مسجد»، بر اساس انقلابیگری

او فراموش نکنیم که «روز مسجد» اساساً یک روز انقلابی است؛ یعنی تشکیل این روز و تعیین این روز که به خواست و مطالبه‌ی جمهوری اسلامی بود و در سازمان کنفرانس اسلامی به عنوان «روز مسجد» تصویب شد، به مناسبت آتش زدن مسجد الاقصی است؛ به مناسبت مقابله‌ی با دشمن صهیونیست است؛ اساس این روز یک چنین اساسی است؛ با این نگاه به روز مسجد نگاه کنید و حرکت را در این مسیر قرار بدهید.

من به شما عرض بکنم، علی رغم همه‌ی دشمنی‌هایی که امروز دارد میشود - که ما طبعاً آگاهی‌های خیلی وسیعی داریم نسبت به آنچه امروز دارد انجام میگیرد؛ چه در زمینه‌های سخت و چه در زمینه‌های نیمه‌سخت و چه در زمینه‌های نرم؛ چه در زمینه‌های آشکار و چه در زمینه‌های پنهان؛ خیلی کار دارد انجام میگیرد علیه نظام جمهوری اسلامی به شکل‌های مختلف - این کلمه‌ی طیبه که واقعاً «كَشَجَرَةٌ طَيِّبَةٌ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ»، (۱۶) [یعنی] نظام جمهوری اسلامی روز به روز در حال استحکام بیشتر است. بحمدالله خدای متعال تفضلات خودش را بر ماها تمام کرده؛ ما بایستی شاکر باشیم، قدر نعمت الهی را بدانیم و با امید ان شاءالله در این راه پیش برویم. من نگاه که میکنم به جمع شما برادران عزیزی که اینجا تشریف دارید، احساس میکنم ان شاءالله آینده‌ی مساجد ما هم از گذشته‌ی آن بمراتب بهتر خواهد بود. امیدواریم خداوند شما را مشمول لطف خود و هدایت خود و رحمت قرار بدهد.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

- (۱) در ابتدای این دیدار - که به مناسبت روز جهانی مسجد برگزار شد - حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد حاج‌علی اکبری (رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد) گزارشی ارائه کرد.
- (۲) از جمله، وسائل الشیعه، ج ۲۳، کتاب الایمان، ص ۲۴۳
- (۳) فرد فرد ما
- (۴) کافی، ج ۳، ص ۲۶۵؛ «[نماز] نزدیک کننده‌ی هر متقی [به خدا است]»
- (۵) سوره‌ی عنکبوت، بخشی از آیه‌ی ۴۵؛ «... و قطعاً یاد خدا خدا بالاتر است...»
- (۶) کافی، ج ۲، ص ۵۸۶، کتاب الدعاء
- (۷) اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۶۸۷، باب نهم
- (۸) سوره‌ی حمد، آیه‌ی ۵؛ «تورا میپرستیم تنها و بس، به جز تو نجویم یاری ز کس»

۹) و به همین ترتیب

۱۰) با انواع آن

۱۱) سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۴۳؛ «و شما مرگ را پیش از آنکه با آن روبه‌رو شوید سخت آرزو میکردید؛ پس آن را دیدید و [همچنان] نگاه میکردید.»

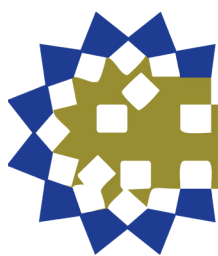
۱۲) قطب‌ها، جهت‌ها

۱۳) جایی که کار بدان جا ختم میشود

۱۴) خنده‌ی حضار

۱۵) سوره‌ی روم، بخشی از آیه‌ی ۳۰؛ «... پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن
«...»

۱۶) سوره‌ی ابراهیم، بخشی از آیه‌ی ۲۴؛ «... مانند درختی پاک است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش
در آسمان است.»



دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

KHAMENEI.IR